

استاد عزیز و دانشمند محترم حضرت آقای محمد تقی شریعتی دام اقباله العالی ،

پس از سلام و تقدیم ارادت خالصانه بعرض میرساند :

در شماره اخیر "کیهان فرهنگی" ضمن شرح حالی از مرحوم دکتر علی شریعتی از قول جناب عالی آمده بود که گویا حسین زاده معروف به آن فرزانه روانشاد در هنگام آزادی از زندان توصیه کرده است که با اینجانب یا هر مؤسسه دیگری که میخواهد همکاری علمی و فرهنگی نماید .

نظریه ارادتتی که همیشه نسبت به آن استاد بزرگوار و معزز داشته ام ، با شگفتی تمام از این مسأله واهی ، برخود فرض دانستم در درجه اول برای روشن شدن ذهن آن حضرت و سایر افراد خانواده محترم شریعتی ، این نامه را بحضورتان ارسال دارم .

— اراد تعدد در زمستان سال ۱۳۴۸ از ایران به پاریس عزیمت کردم و مدت شش سال ، یعنی تا پایان سال ۱۳۵۴ در خدمت یونسکو بودم و در این مدت هیچگونه ارتباطی با دولت ایران و کار گزاران آن نداشتم و بسیار مستبعد بنظر میرسد که در سال ۱۳۵۳ ، به مرحوم دکتر شریعتی پیشنهاد شده باشد که با اینجانب همکاری داشته باشد . اما فرض دیگر آن است که عوامل ساواک از جمله شخص حسین زاده سالها بعد از آزادی دکتر شریعتی ضمن ملاقاتهایشان با آن مرحوم ، چنین سخنی را با وی در میان گذاشته باشند ، در اینصورت :

— یا خواسته اند دکتر شریعتی را راضی نمایند که بجای مشهد مقدس در تهران رحل اقامت افکند که در آن صورت باید محل کاری را به او پیشنهاد کنند و چون مؤسسه تحقیقات علمی وزارت علوم و آموزش عالی به گمان آنان بیش از جای دیگر در آن مرحوم میتوانست رغبت ایجاد کند ، از آن نام آورده اند .

— یا شخص حسین زاده بعلمت ویژگی های روانی و حرفه ای که حتما "مورد شناسائی غالب کسانی که در آن روزگار ، زندانی شده و با او روبرو گردیده اند ، قرار گرفته است ، بسان برخی از قدرتمندانی که وقتی نیرو و اختیارشان از دانت و فرهنگشان فزونی گیرد ، گرفتار عقده های روانی میشوند ، خواسته است خود را در همه زمینه ها صاحب نظر و آگاه نشان دهد ، بهمین دلیل از شهرت علم دوستی اینجانب استفاده کرده و ضمن لاف زدن از شناسائی با اراد تعدد و دیگر رؤسای مؤسسات تحقیقات علمی و فرهنگی کشور ، از همان افراد حساس و پاك نیت را مشوش نموده و به تخریب قضاوت درست و سالم آنان دست یابد .

آنچه با اعتقاد تمام میتوانم بحضرت عالی بگویم و کنی بالله شهیداً اینجانب با همه علاقه و افسری

که نسبت به آن مرحوم و کارهای علمی و مجاهدات حق طلبانه و شور و اشتیاق انسانی و اسلامی ایشان داشتم، متأسفانه بعلمت گرفتاریهای اجتماعی و مسافرتهای علمی و اقامت معتد در خارج و نیز زندگی درد و شهرمختلف (تهران و مشهد) بیش از سه بار توفیق دیدار و گفتگو با مرحوم دکتر علی شریعتی را پیدا نکردم.

— نخستین بار زمانی که تازه وارد ایران شده بودند به اتفاق چند تن از دوستانشان، از جمله دکتر حسن حبیبی که در آن زمان در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی همکار اینجانب بود، در مؤسسه مزبور به دیدار ارادتمند آمدند که پس از چند روز شنیدم جهت خدمت در دانشگاه مشهد عازم خراسان شده‌اند، در همان ملاقات به قابلیت‌ها و به شوق و ذوق فرهنگی و علمی ایشان آگاهی یافتیم.

— بار دوم در سال ۱۳۴۶ که اینجانب به دعوت دانشگاه مشهد درباره آینده جهان سوم در همان دانشگاه سخنرانی داشتم، مرحوم دکتر شریعتی در آن کنفرانس حاضر بودند و نهایت محبت رانسبت به اینجانب میزول داشته و بعد از سخنرانی از من دعوت کردند در جمع عده‌ای از دوستانشان گفتگویی پیرامون موضوعهای طرح شده بعمل آوریم و من هم با اشتیاق تمام قبول کردم. در این دیدار هم بد رستی دریافتیم که آن فرزانه مهذب علم و فضیلت و اخلاق و کردار ارباب‌ها و خسته است و برخلاف بسیاری از مدعیان روشنفکری زمان در خط تفکیر عقیده و عمل صالح قرار ندارند.

— بار سوم که توفیق آخرین دیدار ایشان فراهم شد در مجلس تودیع ماندی بود که آقای دکتر عباس توفیق در منزلش ترتیب داده بود. در این مجلس که در ماه فروردین یا اردیبهشت سال ۱۳۵۶ برگزار شد و اینجانب هم دعوت شده بودم، عده‌ای از دوستان هم در آن تحصیل مرحوم دکتر در پاریس شرکت داشتند و تا آنجا که بخاطر دارم علاوه بر میزبان و ویرایش حسین و حسن توفیق آقایان دکتر ورجاوند، دکتر صفویان، دکتر حاجتی، دکتر تهران‌ی و وزیرنیا با همسرانشان حضور داشتند. گفتگوهای که در آن شب به میان آمد درباره جریانهای فکری و وضع جدید دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی اروپا و برخی از شخصیت‌های علمی آن دیار بود. مرحوم دکتر شریعتی جهت تدارک برنامه مطالعاتی خود در اروپا از ارادتمند پرسشهایی کرد که با اشتیاق تمام پاسخ دادم.

همانطور که بعرض رسید، با تمام علاقمندی و کارهای علمی و خوی و منش و رفتار انسانی مرحوم دکتر شریعتی، توفیق تماس و رابطه بیشتر با ایشان را به دلایلی که عرض کردم، نداشتم و در تمام مدت گرفتاری آن مرحوم، هیچ فرد و مقامی با من مسأله‌ای را که مربوط به ایشان باشد مطرح نکرد. است و

اگر مغرضان و جعلان بهر دلیل زبانی کتباً یا شفاهاً "مطالبین" چیز اینک نوشته شده بیان دارند ،
 صدقانه به عرض آن استاد والا مقام میرسانم که کذب محض است و از جناب عالی بمنوان پدری مهریانی
 و هشیارو استادی شرعاً و اخلاقاً متعهد است دعایم به حکم آیه شریفه "یا ایها الذین آمنوا
 ان جان چاه کم فاسق بنبا فتینوا" از گویند و نگارند . یا آیزند . مطلب بخواید که سند و مدرک ادعای
 خود را ارائه دهد تا ضمن آشکار شدن حقیقت باز و درن خلاف گیری ها و برداشتهای مغرضان
 فرصت طلبان ، چه بره و واقعی و درخشان مرحوم دکتر شریعتی برای تاریخ نگاران آینده ایسران
 روشن تر و شکوفاتر گردد ، به ویژه اکنون که کمابیش اسناد و مدارک گذشته در اختیار مدعیان گوناگون
 میتواند قرار گیرد و بهلا خرد و پیرایزد تمامی حقایق آشکارتر خواهند شد و هیچ مطلبی مکتوم نخواهد
 ماند .

امید وارم در آینده نزدیک که فرصت زیارت حضرت ثامن الائمه (ع) را پیدا کردم ، توفیق دیدار
 آن استاد عالیقدر و مبارز زاهد ست آورم و تا حد امکان بتوانم ریشه و سابقه اینگونه شایعات و القاعات
 سوء و خلافگویی ها را که متأسفانه در سالهای اخیر فراوان بود ، است و نیز انگیزه عاملان آن حرکات
 باطل را روشن نمایم .

تقاضایم از دعای خیر ، ارادتمند را محروم نفرمائید .

من الله التوفیق والسلام علی من اتبع الهدی
 با احترامات فائقه

احسان نراقی امرالله
 ۱۳۶۳/۱۲/۱۰

نشانی : خیابان جم ، کوی گودرز ، شماره ۵